

ادراکِ مردانِ بی‌وفا (خیانت) از علل و عوامل بازدارنده از روابط فرازنشویی: یک مطالعه کیفی

موسی چوپانی^۱، محمدمهدی سهرابی‌فرد^۲، فاروق محمدی^۳
نوشین اسماعیلی^۴، آذر صمدی‌فرد^۵

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۸

هدف پژوهش حاضر بررسی کیفی علل و عوامل بازدارنده از خیانت زناشویی از دیدگاه مردان بی‌وفا بود. روش: این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام مردان بی‌وفا شهر شاهیندژ در سال ۱۳۹۵ بود که پس از شناسایی تعداد زیادی از آن‌ها توسط پژوهشگران، از میان آن‌ها با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۲ مرد برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. همه مصاحبه‌ها ضبط و سپس خط به خط دست‌نویس شد و در نهایت با استفاده از روش تحلیل تفسیری دیکلمان، آلن و تانر (۱۹۸۹) تحلیل شد. یافته‌ها: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی ۵۱ کد اولیه، ۹ زیرمضمون و ۳ مضمون اصلی در زمینه‌ی علل خیانت زناشویی (۱. علل درون‌فردی:

۱. نویسنده مسئول)، دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
Email: mousachoupani@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.
Mehdisohrabi90@uma.ac.ir
۳. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.
farook_mohammadi@yahoo.com
۴. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
dr.counselor92@gmail.com
۵. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.
Azarsamadi65@yahoo.com

تنوع‌طلبی جنسی، عدم‌پای‌بندی مذهبی، کسب اعتماد به نفس، انتقام. ۲. علل بین‌فردی: نارضایتی جنسی، نارضایتی عاطفی و عدم تعهد. ۳. علل محیطی: مهیا بودن شرایط خیانت و اختلال در همسرگزینی) و ۲۳ کد اولیه، ۵ زیرمضمون و ۳ مضمون اصلی در زمینه عوامل بازدارنده از خیانت زناشویی (۱). بازدارنده‌های بین‌فردی: ارضای عاطفی و ارضای جنسی. ۲. بازدارنده‌های محیطی: رفع تحریک‌کننده‌های محیطی و رهایی از اجبار انتخابی. ۳. بازدارنده‌های درون‌فردی: پای‌بندی مذهبی) در مردان بی‌وفا شد. نتیجه‌گیری: پژوهشگران و برنامه‌ریزان حوزه ازدواج و خانواده می‌توانند از طریق رفع علل گرایش زوج‌ها به روابط فرزندناشویی و تقویت عوامل بازدارنده در آن‌ها و محیط کارکردی‌شان، تا حد زیادی احتمال گرایش این افراد را به روابط فرزندناشویی کاهش داده و زمینه ثبات سیستم زوجی و نهاد خانواده را فراهم کنند.

واژه‌های کلیدی: ادراک مردان بی‌وفا، علل و عوامل بازدارنده، روابط فرزندناشویی.

مقدمه

خیانت زناشویی^۱ موضوع تکان‌دهنده‌ای برای زوج‌ها و پدیده‌ای رایج برای مشاورین و درمانگران حوزه ازدواج^۲ و خانواده^۳ می‌باشد، که نقشی اساسی در انحلال سیستم خانواده و گرایش زوج‌ها به سمت طلاق^۴ دارد (هنرپروران، ۱۳۹۳؛ استاپلس^۵، ۲۰۱۲؛ جونزو و ویسر^۶، ۲۰۱۴). خیانت زناشویی به عنوان یکی از شایع‌ترین آسیب‌های کارکردی در بین زوج‌ها و در سطح جامعه از گستردگی مفهومی و نظری زیادی برخوردار است و دستیابی به تعریفی واحد و مشترک از آن که در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها از پذیرش برخوردار باشد تا حد زیادی دور از انتظار است (ویسر و ویگل^۷، ۲۰۱۵). اگرچه تعاریف نظری و کاربردی این مفهوم متفاوت و گسترده است ولی به‌طور کلی خیانت را برقراری هرگونه رابطه عاطفی و جنسی با نفر سوم و بدون آگاهی همسر تعریف می‌کنند که تعهد رابطه زناشویی را

1. marital infidelity

2. marriage

3. family

4. divorce

5. Staples, J

6. Jones, N. D., & Weiser, A. D

7. Weiser, A. D., & Weigel, J. D

نقض کرده و با رنج‌های عاطفی در همسر خیانت‌دیده همراه می‌باشد (جیکینس^۱، ۲۰۱۵). خیانت زنشویی داشتن هر نوع رابطه فرازنشویی و پنهانی با فردی غیر از همسر رسمی است که به طور کلی به سه گروه خیانت عاطفی^۲، جنسی^۳ و خیانت عاطفی - جنسی^۴ تقسیم می‌شود (زارع^۵، ۲۰۱۱؛ لابری کوی و ویسمن^۶، ۲۰۱۷).

مطالعات و پژوهش‌های بالینی در جوامع آسیایی و اروپایی حاکی از آن است که برای گستره‌ی عظیمی از افراد، وفاداری در قالب روابط زنشویی از ارزش و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و اکثریت این افراد، رابطه‌ی تک‌همسری^۷ و پای‌بندی به تعهدات زنشویی^۸ را به عنوان قالب ارتباطی غالب مورد پذیرش و تأکید قرار می‌دهند، تأکیدی که میزان آن در جوامع آسیایی نسبت به جوامع اروپایی در سطح بالاتری قرارداد (باربارو، فام و شاکلفورد^۹، ۲۰۱۵). به عبارت دیگر درصد زیادی از مردم در جوامع مختلف، رابطه‌ی تک‌همسری را تنها شیوه‌ی مطلوب و مشروع، برای ارضای نیازهای عاطفی و جنسی قلمداد می‌کنند و برقراری هرگونه رابطه‌ی عاطفی و جنسی خارج از حیطه‌ی ازدواج را نهی می‌کنند (پاچر^{۱۰}، ۲۰۱۷). جانسون، استانلی، گلن، آماتو، نوک و مارکمن^{۱۱} (۲۰۰۱؛ به نقل از سودانی، کریمی، مهربابی‌زاده هنرمند و نیسی، ۱۳۹۱) در پژوهشی که در زمینه‌ی نگرش افراد نسبت به روابط زنشویی و فرازنشویی انجام دادند گزارش کردند که بیش از ۹۷ درصد از مشارکت‌کنندگان، برقراری هرگونه روابط فرازنشویی را زشت و غیرقابل قبول می‌دانند. ولی با این حال آمارها حاکی از آن است که درصد زیادی از افراد، حتی افرادی که نگرش منفی نسبت به روابط فرازنشویی دارند در طی زمان درگیر این قسم از روابط

1. Jenkins, Q. T

2. emotional infidelity

3. sexual infidelity

4. emotional Sexual infidelity

5. Zare, B

6. Labrecque, L. T., & Whisman, M. A

7. monogamy

8. marital obligations

9. Barbaro, N., Pham, N. M., & Shachelford, K. T

10. Pacher, A

11. Johnson, C. A., Stanley, S. M., Glenn, N. D., Amato, P. A., Nock, S. L., & Markman, H. J

می‌شوند (آبزوگ^۱، ۲۰۱۶).

تساپیللاس، فیشر و آرون^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خویش گزارش کردند که حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد از مشارکت‌کنندگان در پژوهش موافق تک‌همسری و انحصار روابط جنسی و عاطفی با همسر بودند، ۷۰ درصد از آن‌ها همواره نگران خیانت شریک زندگی (همسر) خود بودند و بیش از ۲۰ درصد از آن‌ها تجربه خیانت را حداقل برای یک بار داشتند. مارک، جنسن و میل‌هاوسن^۳ (۲۰۱۱) در پژوهش‌هایی که در ایالات متحده انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بیش از ۲۰ درصد از زنان و مردان در روابط زوجی خویش خیانت را حداقل برای یکبار تجربه کرده‌اند. ایندور، پری‌پالدی، هیرشبرگ، بیرن‌بائوم و دوتش^۴ (۲۰۱۵)، در پژوهشی مشابه که بر روی نمونه‌ی بزرگی از زوج‌ها در ایالات متحده انجام دادند نشان دادند که ۲۱ تا ۲۵ درصد از مردان و ۱۱ تا ۱۵ درصد از زنان در طول زندگی زناشویی خویش، حداقل برای یک بار مرتکب خیانت زناشویی شده‌اند. با اینکه میزان شیوع خیانت زناشویی در جامعه ایران متأثر از تابوهای فرهنگی و کم‌کاری‌های پژوهشی به صورت دقیق و علمی برآورد نشده است با این حال مشاهدات نظری و تجربی به خوبی وجود این آسیب را در جامعه ایران به مانند سایر جوامع آشکار می‌سازد (قره‌گوزلو، مرادحاصلی و عطادخت، ۱۳۹۶). همچنین تعداد زیادی از پژوهشگران، به عنوان یکی از اصلی‌ترین علل تعارضات^۵ و نارضایتی‌های زناشویی^۶، انحلال نهاد خانواده و طلاق زوج‌ها برآن تأکید دارند (حمیدی، احمدی و ویسانی، ۱۳۹۳). هنرپروران (۱۳۹۳)؛ سودانی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهش‌های خویش ضمن تأکید بر افزایش خیانت زناشویی در بین زوج‌های ایرانی، از این آسیب به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل مراجعه زوج‌ها به مراکز مشاوره و روان‌درمانی یاد کردند.

1. Abzug, R

2. Tsapelas, I., Fisher, HE., & Aron, A

3. Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R

4. Eindor, T., Perrypaldi, A., Hirschberger, G., Birnbaum, E. G., & Deutsch, D

5. marital conflicts

6. marital dissatisfaction

خیانت زناشویی مسئله‌ای چندوجهی است که علل و عوامل مختلفی در ابعاد درون‌فردی، بین‌فردی و محیطی در گرایش افراد به آن تأثیر دارد (زارع، ۲۰۱۱). از طرفی تعدادی از پژوهشگران با در نظر گرفتن خیانت به عنوان یک مسئله‌ی درونی، برویژگی‌های درون‌فردی نظیر تنوع‌طلبی جنسی و عاطفی^۱، طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۲ به ویژه در بعد عاطفی و جنسی، ضعف در ایمان و اعتقادات مذهبی بازدارنده، برون‌گرایی^۳ و فقدان تعهد^۴ به عنوان علل اصلی خیانت تأکید می‌کنند (زنگل، ادلون و ساگارین^۵، ۲۰۱۳؛ بروئر و آبل^۶، ۲۰۱۵؛ حمیدی و همکاران، ۱۳۹۳). از طرف دیگر سایر پژوهشگران، اختلال در روابط بین‌فردی نظیر نارضایتی عاطفی^۷، نارضایتی جنسی^۸، سبک دلبستگی ناایمن^۹، افزایش تعاملات منفی^{۱۰} نسبت به تعاملات مثبت^{۱۱} را به عنوان علل خیانت گزارش می‌کنند و معتقدند که خیانت، حاصل نقص در رابطه زوجی است و تنها در رابطه ملال‌آور و آشفته اتفاق می‌افتد (جنکینس^{۱۲}، ۲۰۱۵؛ استاپلس^{۱۳}، ۲۰۱۲؛ هنرپرووران، ۱۳۹۳).

موضوع دیگری که در زمینه خیانت زناشویی از اهمیت بالایی برخوردار است عوامل بازدارنده از گرایش زوج‌ها به سمت خیانت می‌باشد. در واقع گستردگی بیش از حد خیانت در میان زوج‌ها (ایوس و اسمیت^{۱۴}، ۲۰۰۷؛ به نقل از تساپلاس، فیشر و آرون، ۲۰۱۰؛ جنکینس، ۲۰۱۵) و تأثیر زیاد آن در انحلال خانواده‌ها و مختل شدن پیوند زناشویی

1. sexual & emotional diversity
2. initial inconsistent schemas
3. extraversion
4. lack of commitment
5. Zengel, B., Edlund, E. J., & Sagrin, J. B
6. Brewer, G., & Abell, L
7. emotional dissatisfaction
8. sexual dissatisfaction
9. insecure attachment style
10. negative interactions
11. positive interactions
12. Jenkins
13. Staples, J
14. Aivess & Smith

(متینگا، فایفر، تانر، گوبیلز و میرتن^۱، ۲۰۱۸؛ آراین فرو و اعتمادی، ۱۳۹۵)، شناسایی این عوامل را به یک اصل ضروری مبدل کرده است. استیگلیزت، گورون، کاپلان و وینکینگ^۲ (۲۰۱۲) ضمن تأکید بر اهمیت شناسایی عوامل بازدارنده و نقش آن در کاهش گرایش زوج‌ها به سمت خیانت، ارضای عاطفی زوج‌ها و داشتن روابطی مکفی در این بعد را به عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل بازدارنده از خیانت زناشویی گزارش کردند. عدم ارضای نیازهای جنسی زوج‌ها یکی از شایع‌ترین علل گرایش زوج‌ها به سمت خیانت و برقراری روابط فرازناشویی است، لذا ارضای کامل نیازهای جنسی در قالب روابط زوجی می‌تواند از گرایش زوج‌ها به سمت روابط فرازناشویی، تا حد زیادی بازدارنده کند (بورچل و وارد^۳، ۲۰۱۱). عوامل دیگری نظیر اصلاح سبک‌های دلبستگی ناایمن، بهبود و درمان طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌ویژه در ابعاد جنسی و عاطفی، رفع تحریک‌کننده‌های محیطی، تقویت تعهد درونی زوج‌ها نسبت به حفظ رابطه، تقویت اندیشه‌های معنوی بازدارنده و بهبود صمیمیت ارتباطی، در کاهش گرایش زوج‌ها به خیانت زناشویی موثر می‌باشد و توسط تعداد زیادی از پژوهشگران به عنوان عوامل بازدارنده مورد تأکید قرار گرفته‌اند (حمیدی و همکاران، ۱۳۹۳).

علاوه بر شیوع تقریباً زیادی که روابط فرازناشویی در سطح جامعه دارد، پیشینه‌های نظری و تجربی به‌خوبی پیامدهای مخرب روان‌شناختی، بین فردی و محیطی این آسیب را در زوج‌ها و خانواده‌های آن‌ها نشان می‌دهند که این امر تا حدی ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد. از سوی دیگر متاثر از موانعی نظیر تابوهای فرهنگی، پنهان بودن این آسیب، عدم تمایل و جسارت افراد برای مشارکت در پژوهش و دشواری در شناسایی این افراد که پژوهش در زمینه خیانت را با دشواری مواجه می‌سازد، پیشینه‌ی غنی و سازنده‌ای در این زمینه حداقل در جامعه ایرانی وجود ندارد که این امر نیز به نوبه‌ی خود

1. Mtenga, S. M., Pfeiffer, C., Tanner, M., Geubbels, E., & Merten, S
2. Stieglitz, J., Gurven, M., Kaplan, H., Winking, J
3. Burchel, L. J., & Ward, J

بیانگرِ ضرورت انجام مطالعاتی گسترده در این حوزه می‌باشد. مطالعاتی که با روشن‌سازی ابعاد این آسیب، شرایط را برای تدوین برنامه‌هایی پیشگیرانه و درمانی فراهم کند. نهایتاً اینکه محدود پژوهش‌هایی که در این زمینه وجود دارد با بهره‌گیری از روش‌های کمی و ابزارهایی کاملاً ساختاریافته انجام شده است و توجه چندانی بر تجربیات درونی و ادراکات افرادی که دارای تجربه خیانت بوده‌اند نداشته است. لذا این پژوهش برای این است که با بهره‌گیری از روش کیفی و در قالب مصاحبه‌هایی نیمه ساختاریافته، بر دنیای پدیدارشناسی افراد دارای تجربه بی‌وفایی متمرکز شده و به شناسایی علل و عوامل بازدارنده از آن بپردازد و بدین شکل تا حد زیادی اطلاعات و بینش کافی جهت تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی در این حوزه را فراهم سازد.

روش

مطالعه حاضر به روش کیفی^۱ و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی^۲ انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام مردان بی‌وفای شهر شاهیندژ در سال ۱۳۹۵ بود. روش نمونه‌گیری مورد استفاده، نمونه‌گیری هدفمند بود. تعداد نمونه نیز براساس اصل اشباع مشخص شد. در واقع فرایند گزینش نمونه‌ها تا هنگامی ادامه پیدا کرد که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده‌ی جدیدی پدیدار نشد. به عبارت دیگر، جمع‌آوری داده‌ها تا حصول اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت که این اشباع در دوازدهمین مصاحبه اتفاق افتاد. معیارهای ورود به پژوهش حاضر عبارت بودند از: داشتن تجربه خیانت عاطفی - جنسی یا در حال تجربه آن، پنهان بودن خیانت یا بخشیده شدن از جانب همسر، تمایل به شرکت در پژوهش و مصاحبه. معیارهای خروج از پژوهش نیز عبارت بودند از: خیانت صورت گرفته صرفاً عاطفی یا صرفاً جنسی باشد، وابسته به مواد مخدر و فاقد تعادل شناختی - عقلانی باشد، تمایل به مشارکت در پژوهش نداشته باشد. برای دستیابی به

1. qualitative method
2. phenomenology

اطلاعاتی دقیق و جامع، عرصه مطالعه در حیطه‌ای گسترده انتخاب شد و مصاحبه‌شوندگان از مناطق مختلف شهر شاهیندژ که شرایط ورود به مطالعه را داشتند انتخاب شدند (به دلیل پنهان بودن جامعه پژوهش، شناسایی افراد مورد نظر فرایندی زمان‌بر بود و برای شناسایی این افراد از تعداد زیادی از دوستان که در مناطق مورد نظر سکونت داشتند کمک گرفته شد).

ماهیت اکتشافی پژوهش، انعطاف‌پذیری بالای پژوهشگر را جهت کاوش موضوعات تازه و مبهم می‌طلبید. براین اساس از روش مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. این روش مصاحبه شرایطی را به وجود می‌آورد تا شرکت‌کنندگان دیدگاه خود را آن‌گونه که تجربه کرده‌اند با استفاده از زبان و ادبیات خاص خود تشریح کنند. مصاحبه‌ها با یک سوال کلی در مورد خیانت آغاز می‌شد و در طول انجام پژوهش از سوالات کاوش‌گرانه مانند (می‌توانید در این باره توضیح بیشتری بدهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان بکنید؟) جهت دستیابی به جزئیات و اطلاعات غنی‌تر استفاده شد. ۱۲ مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته انجام شد که هر کدام ۲۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. مدت زمان مصاحبه از قبل توسط فرد پژوهشگر با توافق مشارکت‌کننده مشخص شد. داده‌ها در طول یک دوره ۲ ماهه جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامین اصلی و فرعی طبقه‌بندی شدند. جهت تحلیل اطلاعات از روش تحلیل تفسیری دیکلمان، آلن و تانر^۱ (۱۹۸۹) استفاده شد. در شیوه پدیدارشناسی روش‌های تحلیلی مختلفی وجود دارد که هرچند بین آن‌ها همپوشانی زیادی دیده می‌شود، اما روش مذکور در مطالعه موضوعات اکتشافی و مبهم ارجحیت دارد (گوبا و لینکولن^۲، ۱۹۸۹).

براساس این روش متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌شدن روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناختی کلی از آن حاصل شود. سپس برای هریک از متون مصاحبه، خلاصه‌ی

1. Diekmann, Allen, & Tanner

2. Guba, E. G., & Lincoln, Y. S

تفسیری نوشته شد و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن اقدام به عمل آمد. در ادامه پژوهشگران در استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداختند. با تداوم مصاحبه‌ها، مضمون قبلی روشن‌تر می‌شد و تکامل می‌یافت و گاه مضمون جدیدی شکل می‌گرفت. جهت روشن‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تناقض‌های موجود در تفسیر، فرآیند بازگشت دوباره به متون صورت می‌گرفت. در هر مرحله با ادغام خلاصه‌های تفسیری، تحلیل کلی‌تری انجام می‌شد تا در نهایت ارتباط بین تفاسیر و مضامین جهت رسیدن به نتیجه‌ی نهایی به بهترین نحو ممکن صورت گرفت. در واقع در جریان تحلیل، مقوله‌بندی براساس بررسی دقیق اطلاعات، تکرار کدگذاری‌ها، طبقه‌بندی‌ها و مقایسه‌ها صورت گرفت و پس از استخراج، کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها، مضامین مشترک و مرتبط با هم، در قالب مضامین فرعی و در نهایت مضامین اصلی ترکیب و مضامین غیرمرتبط حذف شدند. همچنین برای بررسی ارتباط بین مقوله‌ها و یکپارچه کردن آن‌ها از تلفیق تفکر قیاسی و استقرایی و حرکت مداوم بین مفاهیم استفاده شد و بر مبنای اصول نظری حاکم مضامین اصلی و فرعی نام‌گذاری شدند.

به منظور بررسی اعتبار یافته‌های حاصل از پژوهش از چهار شاخص اعتبار گوبا و لینکولن (۱۹۸۹) استفاده شد. برای تضمین اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، متون مصاحبه هر فردی (تأحدی که ممکن بود) دوباره به وی داده شد و در صورت لزوم تغییرات لازم در آن اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، پژوهشگران تلاش کردند که تا حد ممکن از دخالت دادن پیش‌فرض‌های پیشین خود در جریان تجزیه و تحلیل و تفسیر جلوگیری کنند. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، از نظارت و همکاری متخصصین استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی کدگذاری‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت. جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال یافته‌های پژوهشی تلاش شد افرادی از مناطق مختلف شهر شاهیندژ انتخاب شوند. برای رعایت ملاحظات اخلاقی و محافظت از حقوق مشارکت‌کنندگان، پژوهشگر بعد از اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و توضیح اهداف پژوهش، به آن‌ها اطمینان داد که مصاحبه‌ها و بیانات ضبط شده کاملاً

محرمانه و بدون نام بردن از افراد ثبت خواهد شد و امانت‌داری در متن مصاحبه کاملاً رعایت می‌شود. همچنین گفت‌وگوی ضبط‌شده پس از اتمام تحلیل و نگارش کامل مقاله و چاپ آن پاک خواهد شد. همچنین پژوهشگر بر آزادی افراد در خروج و عدم ادامه‌ی همکاری پژوهشی نیز تأکید زیادی کرد. لازم به ذکر است که به مشارکت‌کنندگان گفته شد که در صورت تمایل یک نسخه از مقاله چاپ‌شده به آن‌ها داده خواهد شد.

یافته‌ها

تمامی شرکت‌کنندگان مطالعه مرد و همگی متأهل بودند، میانگین سنی آن‌ها ۳۱/۰۸ سال بود، میانگین طول ازدواج آن‌ها پنج سال بود. پنج نفر از آن‌ها لیسانس و بقیه دیپلم به پایین بودند. تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان، منجر به شناسایی ۸۴۲ کداولیه، ۴۰ زیرمضمون (طبقات فرعی) و شش مضمون اصلی (طبقه اصلی) شد که در جدول یک ارایه شده است. در واقع تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان منجر به شناسایی نه زیرمضمون (طبقه فرعی) و سه مضمون اصلی در زمینه‌ی علی خیانت (جدول شماره یک) و پنج زیرمضمون (طبقه فرعی) و سه مضمون اصلی در زمینه‌ی عوامل بازدارنده از خیانت (جدول شماره دو) شد.

جدول ۱: مضامین محوری و زیرمضمون‌های مربوط به علی بی‌وفایی (خیانت)

طبقات اصلی	طبقات فرعی	کدهای اولیه
علی درون فردی (درونی)	تنوع‌طلبی جنسی	میل به تجربه ارتباط با زنان مختلف، خسته شدن از یک زن تکراری، تمایل به تجربه‌ی اندام‌های مختلف، زنده نگه داشتن شورجنسی از طریق رابطه با زنان مختلف، خیالپردازی‌های جنسی در مورد اندام‌های مختلف.

طبقات اصلی	طبقات فرعی	کدهای اولیه
	عدم پای‌بندی مذهبی	نداشتن باورهای دینی و مذهبی، عدم پای‌بندی مذهبی به حرام بودن این رابطه، اعتقاد به آزادی جنسی مردان، طبیعی تلقی کردن ارتباط مرد با زنان مختلف، اعتقاد به خوب بودن این رابطه به دلایل ارضای جنسی و عاطفی زنی دیگر.
	کسب اعتماد به نفس	کسب مهارت‌های عاطفی به‌طور کامل، رفع نقایص مهارت‌های جنسی خود، رفع هرگونه ترس در برقراری رابطه با همسر، به‌دست آوردن اعتماد به خود در رابطه عاطفی، کسب اعتماد به خود در زمینه‌ی رابطه‌ی جنسی.
	انتقام	تلافی بی‌توجهی‌های جنسی، تلافی عدم ارضای خیالپردازی‌های جنسی، تلافی عدم پاسخگویی به درخواست‌های جنسی مکرر، تلافی آزار و اذیت و سخت‌گیری، تلافی بدبینی‌های ارتباطی، تلافی بی‌توجهی‌های عاطفی.
عللی بین‌فردی (ارتباطی)	نارضایتی جنسی	عدم لذت جنسی از همسر خویش، ضعف مهارت‌های جنسی همسر، ناتوانی همسر از پاسخگویی پیوسته به درخواست‌های جنسی، ناتوانی همسر از ارضای خیالپردازی‌های جنسی، عدم توافق در مورد روش‌های سکس، نداشتن جذابیت جنسی، ناتوانی در تحریک جنسی به اندازه کافی.
	نارضایتی عاطفی	عدم درک کامل توسط همسر، بی‌توجهی همسر نسبت به نیازهای عاطفی، عدم رضایت نسبت به برخی از عادات همسر، عدم رضایت نسبت نحوه ابراز محبت همسر، عدم رضایت از رابطه جنسی، کسالت‌آور بودن زندگی مشترک، عدم وجود صمیمیت در رابطه، نبود خوشی کافی در رابطه با همسر.
	عدم تعهد	عدم پای‌بندی به انحصاری بودن رابطه عاطفی، عدم پای‌بندی به انحصاری بودن رابطه جنسی، تأکید بر آزادی مردان در رابطه عاطفی و جنسی، تأکید بر روابط فرازناسویی در صورت ناتوانی دائمی و موقتی همسر.

طبقات اصلی	طبقات فرعی	کدهای اولیه
علی بیرونی (محیطی)	مهیا بودن شرایط خیانت	کار کردن در یک محیط زنانه، سروکله زدن زیاد با مشتری‌های زن، دوری طولانی مدت از همسر خویش به دلیل فعالیت‌های شغلی، عدم وجود هرگونه کنترل از جانب همسر، رابطه با دوستان خائن، فراهم بودن شرایط خیانت از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی.
	اختلال در همسرگزینی	عدم آزادی در انتخاب همسر، انتخاب همسر توسط والدین، ازدواج به خاطر اموال طرف مقابل، ازدواج از روی ترحم، ازدواج به خاطر اجبار و قانون.

علل درون فردی خیانت

بر اساس تجارب مشارکت‌کنندگان، اولین مضمون اصلی شناسایی شده در زمینه‌ی علی خیانت زناشویی که توسط تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در گرایششان به خیانت، به کرات مورد تأکید قرارگرفت علی درون فردی بود. علی درون فردی به عنوان یک مضمون اصلی، دربرگیرنده ۴ زیرمضمون بود که در جریان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه شناسایی شدند. تنوع‌طلبی جنسی: "تمام وجودم، با نیروی زیاد من رو به سمت ارتباط با زن‌های مختلف می‌کشونه" (شرکت‌کننده شماره ۶)؛ "دوست دارم ارتباط با زن‌های مختلف رو تجربه کنم" (شرکت‌کننده شماره ۳)؛ "تا کی میتونی فقط با یکی باشی؟ به نظر من خیلی خسته‌کننده" (شرکت‌کننده شماره ۸)؛ کسالت باره فقط با همسرت باشی مخصوصاً تو بعد رابطه جنسی (شرکت‌کننده شماره ۱۱). عدم پای بندی مذهبی: "اصلاً دین و مذهب رو قبول ندارم، راحت بگم سوپر لائیکم!" (شرکت‌کننده شماره ۳)؛ "هرچی که مانع لذت و خوشی باشه و حسرت و احساس گناه بیاره کنار میزارم، دین و مذهب هم یکیش" (شرکت‌کننده شماره ۶). "مذهب رو قبول دارم ولی حرام بودن این رابطه رو به هیچوجه قبول ندارم" (شرکت‌کننده شماره ۹). کسب اعتماد به نفس: "بین واسه اینکه ترسم رو تو رابطه محبت‌آمیز با زخم بشکنم لازم میدونم با زن‌های مختلف رابطه برقرار بکنم" (شرکت‌کننده شماره ۸)؛ "اوایل تو رابطه با همسرم به

خودم باور نداشتم، همش می‌گفتم ی چیزی میگی باعث میشه بهت بخنده واسه همین رابطه محبت‌آمیز با زنای دیگه رو واسه رفع این عیب مناسب میدونم" (شرکت‌کننده شماره ۷). **انتقام:** یکی از دلایل خیانت اینه که طرف مقابل به هردلیل لج می‌کنه و از رابطه با شوهرش امتناع می‌کنه، مرد هم اینطوری براش جبران می‌کنه" (شرکت‌کننده شماره ۵). **تلافی عدم ارضای خیالپردازی‌های جنسی:** حقیقتاً من انکار نمی‌کنم که خیانت کردم و می‌کنم ولی دلیل داره، همسرم نسبت به تصورات و خیال‌پردازی‌های جنسی من بی‌تفاوته، سرش سلامت یکی رو پیدا میکنم که این تصوراتم رو ارضا بکنه" (شرکت‌کننده شماره ۹)؛ "این و بدون وقتی از زنت راضی باشی همچین غلطی نمیکنی، من خودم این غلط و کردم و دلیلشم اینه که تلافی بکنم همه لحظه‌هایی رو که اذیتم کرد حالا بماند اذیت‌هاش چی بودن" (شرکت‌کننده شماره ۱۰)؛ "میدونی یکی از عللم واسه خیانت بدبینی‌هاشه، خیلی بدبینه و اصلاً مراعات نمیکنه، درنظر بگیردزد نباشی و همه بگن دزدی، خب تو میری واقعا دزد میشی، منم اول خیانت نمی‌کردم ولی اونقد تهمت زد که منم شدم این (شرکت‌کننده شماره ۹).

علل بین فردی خیانت

دومین مضمون اصلی شناسایی شده در زمینه علل خیانت، علل و عوامل بین فردی و یا ارتباطی بود، که تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۳ زیرمضمون آن شد که عبارت بودند از: **نارضایتی جنسی:** "والا اصلاً نمیدونه رابطه جنسی یعنی چی، اگه من نیاز جنسیم ارضا شده باشه الان وضعم این نبود که" (شرکت‌کننده شماره ۹)؛ "اونقدی وارد نیست که آدم سیربشه، هرچی صبر کردیم ماهر نشد که نشد دیگه دل و زدیم به دریا!" (شرکت‌کننده شماره ۶). "این رو بدون که هرکسی که خیانت می‌کنه از رابطه جنسیش راضی نیست، اگه آدم ارضا بشه از لحاظ جنسی هیچوقت خودش رو تو این دردسر نمی‌اندازه" (شرکت‌کننده شماره ۴). **نارضایتی عاطفی:** "نمیفهمه من رو، گاهی زده میشم که ی عمر باید با کسی زندگی کنم که درکت نمیکنه، طبیعیه درک نشی آخرش

سمت کسی میری که درکت کنه" (شرکت‌کننده شماره ۵)؛ "باور میکنی اصلاً نمی‌فهمه عشق یعنی چی! آدم زن میاره بهش محبت کنه، خب وقتی نمیکنه به نظرت چیکار کنم؟ یا باید ی زن دیگه بگیرم یا وارد این راه بشم" (شرکت‌کننده شماره ۱۰)؛ "خیلی بی تفاوتی نسبت به اینکه منم دل دارم. اصلاً توجه عاطفی اقناع‌کننده نیست" (شرکت‌کننده شماره ۸)؛ "صمیمیت وقتی تو رابطه باشه خیانت کم میشه، من صمیمیتی حس نمیکنم تو رابطه زناشویییم" (شرکت‌کننده شماره ۲)؛ "به نظرت خوشی باشه تو رابطه آدم خیانت میکنه؟ زندگی من خداییش خوشی که هیچ‌نداره پراز اخم و بدبینیه" (شرکت‌کننده شماره ۵). **عدم تعهد:** "کی میگه رابطه عاطفی فقط باید با همسر باشه؟ ببخشید ولی چرت و پرتی و واسه من قابل قبول نیست" (شرکت‌کننده شماره ۲)؛ "من عقیدم اینه که مرد آزاده تا با هرچند نفری که دلش میخواد رابطه عاطفی برقرار بکنه" (شرکت‌کننده شماره ۴). "هم رابطه عاطفی و هم جنسی باید باز باشه، نباید به همدیگه گیربدیم و به همدیگه بگیریم نباید با کسی دیگه‌ای ارتباط داشته باشی" (شرکت‌کننده شماره ۷)؛ "آزادی رابطه عاطفی و جنسی همه جا هست کاش اروپایی بودیم و این همه محدودیت نبود، کاش آزاد بشیم مخصوصاً تو این روابط" (شرکت‌کننده شماره ۹).

علل بیرونی (محیطی) خیانت

سومین مضمون اصلی شناسایی شده در زمینه‌ی علل خیانت، علل بیرونی خیانت بود که به‌کرات توسط مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علل گرایش به خیانت مورد تأکید قرارگرفت. تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان در این زمینه منجر به شناسایی ۲ زیرمضمون شد که عبارت بودند از: **مهیا بودن شرایط خیانت:** "محیط کاریم پراز زنه، تعامل باهاشون طبیعیه و گاهی رابطه‌ها خیلی صمیمی میشه که نهایتاً به اینجا کشیده میشه" (شرکت‌کننده شماره ۱۱)؛ "پوشاک فروشم اونقدر مشتری‌های جذاب میان که گاهی کنترل از دستم میره!" (شرکت‌کننده شماره ۳)؛ "بعض اوقات واسه کار مجبورم برم شهره دیگه اونجا آزاده‌تره آدم و کنترلی روش نیست. شاید به همین خاطر باشه که به سمت

خیانت کشیده شدم" (شرکت‌کننده شماره ۱۰)؛ "۸۰ درصد رفیق‌ام اهل این برنامه‌ها. منم که باهاشون هستم و مسلماً درگیر این روابط میشم" (شرکت‌کننده شماره ۴)؛ "الان دیگه پیدا کردن شریک جنسی جدید ۱۰ دقیقه وقت نمیره فقط ی سرچ میخواد، همین اینترنت و اینا شرایط رو هم مهیا کرده و هم راحت" (شرکت‌کننده شماره ۴). اختلال در سبک همسرگزینی: "ای بابا ما تو چی آزاد بودیم تا توی انتخاب همسر آزاد باشیم، راستش رو بخوای نفرسومی که باهاش رابطه دارم همونیه که عاشقش بودم ولی نشد بگیرم" (شرکت‌کننده شماره ۴)؛ "پدرم زخم رو به زور قالبم کرد میلی بهش نداشتم از همون اول (شرکت‌کننده شماره ۲)؛ "ازدواجت وقتی از روی ترحم باشه یا طلاق میشه آخرش یا خیانت" (شرکت‌کننده شماره ۶).

جدول ۲: مضامین محوری و زیرمضمون‌های مربوط به عوامل بازدارنده از بی‌وفایی (خیانت)

طبقات اصلی	طبقات فرعی	کدهای اولیه
بازدارنده‌های بین‌فردی	ارضای عاطفی	درک‌کردن و همدلی، ابرازکردن محبت، نشاط بخشیدن به رابطه، عشق‌ورزیدن، دوست داشتن صمیمانه.
	ارضای جنسی	پاسخگویی به خواسته‌های جنسی، بهره‌گیری از روش‌های سکسی موردعلاقه، توانمندکردن خویش در زمینه سکس و مهارت‌های سکسی، ایجاد جذابیت جنسی در خویشتن، ارضای خیالپردازی‌های جنسی.
بازدارنده‌های محیطی	رفع تحریرکننده‌های محیطی	فاصله‌نگرفتن مکانی از همسر و خانواده، کناره‌گیری از دوستان خائن، از بین بردن تمام روش‌های اینترنتی دسترسی به نفرسوم، امتناع از اشتغال در محیط‌های زنانه.
	رهایی از اجبارهای انتخابی (آزادی در انتخاب)	انتخاب همسر از روی عشق و محبت، عدم انتخاب همسر آینده توسط والدین، عدم ازدواج صرفاً براساس اجبار مالی، عدم ازدواج از روی ترحم، عدم ازدواج به خاطر اجبار قانون.
بازدارنده‌ی درون‌فردی	پای‌بندی مذهبی	ایجاد نگرش مذهبی انحصاری بودن رابطه عاطفی با همسر، ایجاد نگرش مذهبی انحصاری بودن رابطه جنسی با همسر، ایمان به عواقب دنیوی و اخروی این عمل، تعهد و پای‌بندی به باورهای دینی در زمینه رابطه زناشویی.

بازدارنده‌های بین‌فردی (ارتباطی)

براساس تجارب مشارکت‌کنندگان، اولین مضمون شناسایی شده در زمینه عوامل بازدارنده از خیانت زناشویی، بازدارنده‌های بین‌فردی یا ارتباطی بود که تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۲ زیرمضمون آن شد که عبارت بودند از: **ارضای عاطفی**: "اگه بهم عشق بورزه و اندازه کافی درکم بکنه قطعاً تمایلیم به خیانت کم میشه (شرکت‌کننده شماره ۱۱)؛ "محبت داره بهم ولی ابراز نمی‌کنه، اگه ابراز کنه منم خودم رو تغییر می‌دم" (شرکت‌کننده شماره ۱۲)؛ "به نظرت اگه رابطه الانم نشاط داشته باشه مجبورم برم خیانت کنم؟" (شرکت‌کننده شماره ۸)؛ "وقتی احساس کنم صمیمیت حاکمه تورابطه، بمیرم هم خیانت نمی‌کنم، یک مرد همین روز از زنش می‌خواد (شرکت‌کننده شماره ۴). **ارضای جنسی**: "خواسته‌های جنسیم برآورده بشه دیگه نیازی به نفر سوم ندارم (شرکت‌کننده شماره ۵)؛ "تورابطه جنسی و مهارت‌هاش خیلی ضعیفه، اگه بلد بود مریض نیستم سختی خیانت رو به دوش بکشم" (شرکت‌کننده شماره ۷). "قبلاً عرض کردم نمیتونه تصورات جنسیم رو ارضا بکنه، اگر ارضا بکنه دیگه نیازی به خیانت ندارم (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

بازدارنده‌های محیطی (بیرونی)

یکی دیگر از مضامین محوری شناسایی شده که توسط مصاحبه‌شوندگان به عنوان یکی از عوامل بازدارنده از خیانت زناشویی به کرات مورد تأکید قرار گرفت، بازدارنده‌های محیطی بود، که تحلیل نتایج منجر به شناسایی ۲ زیرمضمون آن شد که عبارت بودند از: **رفع تحریک‌کننده‌های محیطی**: "اگه همیشه پیش زنم باشم، واسه کار به شهرهای دیگه نرم، کم‌تر احتمال داره درگیر این روابط بشم" (شرکت‌کننده شماره ۱۱)؛ "دوست سیگاری می‌کنه آدم رو دوست خائن هم خائن میکنه، من اگه دوستای خائتم نباشن، خب طبیعیه خیانت نکنم" (شرکت‌کننده شماره ۱۰)؛ "قبلاً هم گفتم اینترنت و این

گروه‌های مجازی، دوست‌یابی رو‌راحت کرده. اگر نباشه خداییش من یکی از تنبلی هم باشه، به سمت خیانت نمیرم" (شرکت‌کننده شماره ۱۱)؛ "اگه محل کارم تغییر کنه و کمتر با زن‌های مختلف تعامل داشته باشم، میتونه تاحدی از گرایش منم به این نوع روابط کم بکنه" (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

بازدارنده‌های درونی

آخرین مضمون اصلی شناسایی شده در پژوهش حاضر در زمینه عوامل بازدارنده از خیانت زناشویی، بازدارنده‌های درونی بود که توام با یک زیرمضمون آن مورد شناسایی قرار گرفت. پای‌بندی مذهبی: "اونی که مذهب داره معتقده رابطه باید فقط با همسر باشه. واسه همین عمرا خیانت نمیکنه، اگه منم این باور رو داشتم خیانت نمی‌کردم" (شرکت‌کننده شماره ۴)؛ "اگه به اون دنیا اعتقاد داشتم حتی اگه تحریک میشدم از ترس عذابش خیانت نمی‌کردم" (شرکت‌کننده شماره ۶).

بحث

پژوهش کیفی حاضر با رویکرد پدیدارشناختی به بررسی علل و عوامل بازدارنده از خیانت در مردان بی‌وفا (خیانت) پرداخت. تحلیل و کدگذاری یافته‌ها منجر به پیدایش ۳ مضمون اصلی در زمینه‌ی علل خیانت (علل درون فردی، علل بین فردی و علل بیرونی محیطی) و ۳ مضمون اصلی در زمینه‌ی عوامل بازدارنده از خیانت زناشویی (بازدارنده‌های درون فردی، بازدارنده‌های بین فردی و بازدارنده‌های محیطی) شد. علل درون فردی شامل تنوع‌طلبی، عدم پای‌بندی مذهبی، کسب اعتماد به نفس و انتقام، از جمله عواملی بودند که مصاحبه‌شوندگان به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر گرایششان به سمت خیانت بر آن تأکید کردند. در واقع بسیاری از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که تمایل زیادی به تجربه رابطه با زنان مختلف دارند، از ارتباط پیوسته و متداوم با یک زن خیلی زود خسته می‌شوند، ارتباط با زنان مختلف را لازمه حفظ شور جنسی

می‌دانند، پای‌بندی به باورهای مذهبی ندارند، تأکید مذهب بر تک‌همسری و انحصاری بودن رابطه عاطفی - جنسی را قبول ندارند، اعتقاد زیادی به آزادی جنسی مخصوصاً برای مردان دارند، روابط فرازنشویی را ابزاری برای کسب مهارت‌های عاطفی و جنسی می‌دانند و وجود آن را لازمه کسب اعتماد به نفس ارتباطی می‌دانند و نهایتاً اینکه از طریق برقراری روابط فرازنشویی تمامی بی‌توجهی‌های جنسی، عدم ارضای خیال‌پردازی‌های جنسی، آزارهای ارتباطی، بی‌توجهی‌های عاطفی و بدبینی‌های بین‌فردی همسرشان را تلافی می‌کنند. حمیدی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خویش گزارش‌کردند عواملی که در گرایش افراد به سمت خیانت نقش دارند چندبعدی می‌باشند و صرفاً نمی‌توان علل خیانت زناشویی را به یک بعد خاص مربوط بدانیم. ولی به طور کلی عوامل درونی نظیر تنوع‌طلبی جنسی - عاطفی و عدم پای‌بندی مذهبی، در گرایش افراد به سمت خیانت از تأثیرگذاری بالایی برخوردار می‌باشد. برور، هانت و همکاران^۱ (۲۰۱۵)؛ برور و آیل (۲۰۱۵) در پژوهش‌های خویش از ویژگی‌های شخصیتی نظیر ماکیاویلیسم و تنوع‌طلبی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گرایش زوج‌ها به سمت خیانت یاد کردند و نشان دادند که افراد دارای این ویژگی‌ها نسبت به سایر افراد گرایش بیش‌تری به سمت روابط فرازنشویی دارند. پژوهش‌های دیگری نظیر جونز و ویسر (۲۰۱۴)؛ لالاسزو و ویگل (۲۰۱۴)؛ زنگل و همکاران (۲۰۱۳) نیز بر اهمیت علل و عوامل فردی و نقش عوامل درونی به ویژه ویژگی‌های شخصیتی در گرایش به سمت خیانت تأکید کردند.

در تبیین کلی این یافته می‌توان گفت هرچه سطح تنوع‌طلبی افراد بیش‌تر باشد تمایلشان به تجربه ارتباط با افراد مختلف نیز بیش‌تر خواهد بود. در واقع چنین افرادی لذت ارتباط‌های متنوع برایشان به حدی است که حتی حاضر هستند که تداوم و امنیت زندگی زناشویی خود را در معرض خطر قرار دهند. پای‌بندی درونی به اعتقادات مذهبی

1. Brewer, G., Hunt, D., James, G., & Abell, L

جدای از اینکه می‌تواند یک عامل بازدارنده باشد، فقدانش زمینه را برای گرایش افراد به روابط فرازنشویی فراهم می‌کند. درواقع اصول و مبانی دینی همواره تک‌همسری را مورد تایید قرار داده و افراد را از پرداختن به روابط فرازنشویی نهی کرده است. عدم پای بندی به اعتقادات دینی در این زمینه، به مرور گرایش افراد را به برقراری روابط فرازنشویی تسهیل می‌بخشد. روابط زناشویی زمانی که برای یکی از طرفین مملوء از آزارهای عاطفی، جنسی و تعاملی باشد زمینه را برای گرایش فرد قربانی به روابط بیرونی و پانهادان بر تمامی تعهدات زوجی فراهم می‌کند. برخی از افرادی که به سمت خیانت گرایش دارند براین عقیده تأکید دارند که همواره از جانب همسرشان مورد آزار و یا بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند و حقوقشان آنگونه که باید رعایت نمی‌شود. لذا برای مخالفت با چنین وضعیتی به سمت روابط بیرونی گرایش پیدا می‌کنند و بدین شکل ضمن ارضای نیازهای کارکردی خود، انتقام خویش را از همسر آزارگر می‌گیرند.

ازدیگر عوامل تأثیرگذار در گرایش افراد به خیانت زناشویی، که در جریان تحلیل داده‌ها مورد شناسایی قرار گرفتند، نارضایتی‌های ارتباطی نظیر نارضایتی‌های جنسی، نارضایتی عاطفی و پایین بودن تعهد بین فردی بود. درواقع برخی از مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که رابطه جنسی مطلوبی با همسر خود ندارند، انتظارات و خیالپردازی‌های جنسی‌شان ارضا نمی‌شود، همسرشان فاقد هرگونه جذابیت و مهارت جنسی است، همواره در جریان رابطه زناشویی خود مورد بی‌مری، بی‌تفاوتی و حتی آزار عاطفی قرار می‌گیرند، هیچگونه رضایتی از همسر خود ندارند و پیوندشان سرشار از کسالت است، آزادی جنسی - عاطفی را هم برای زن و هم برای مرد لازم می‌دانند و هیچگونه اعتقاد و پای بندی به انحصاری بودن رابطه عاطفی - جنسی با همسر ندارند. لذا بدیهی است که وجود چنین خصایصی به مرور زمینه را برای ورود به روابط فرازنشویی و تداوم آن فراهم کند. از دلایل اصلی ازدواج برقراری پیوندی توأم با صمیمیت جنسی و عاطفی بین دو جنس می‌باشد و زوج‌هایی که نسبت به ارضای این نیازها بی تفاوت هستند و توانایی ارضای یکدیگر در این زمینه را ندارند، احتمال گرایششان به روابط

فرازناشویی نسبت به سایر زوج‌ها بیش‌تر می‌باشد (سودانی و همکاران، ۱۳۹۱). استیگلیزا و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خویش گزارش کردند که عوامل ارتباطی به ویژه شدت تعارضات زناشویی و پایین بودن رضایت عاطفی و جنسی زوج‌ها در قالب روابط خویش از جمله مهم‌ترین عوامل گرایش‌دهنده به سمت خیانت است. ایندور و همکاران (۲۰۱۵) نیز مشکلات ارتباطی به ویژه اختلال در روابط عاطفی و جنسی زوج‌ها را در گرایش به سمت خیانت موثر می‌دانند و بیان کردند که وجود این عوامل در کنار مهیا بودن شرایط گرایش به سمت خیانت، زمینه را برای شیوع بیش از حد روابط فرازناشویی فراهم می‌کند. در تبیین این یافته به طور کلی می‌توان گفت نیازهای عاطفی و جنسی از اصلی‌ترین نیازهای بشری است که افراد جهت ارضای متداوم آن، تصمیم به ازدواج و ورود به روابط زناشویی می‌گیرند. زمانی که رابطه زوجی توانایی ارضای این نیازها را مطابق با انتظارات طرفین نداشته باشد، بدیهی است که زوج‌ها احتمال گرایششان به راه‌حل‌های جایگزین نظیر گرایش به روابط فرازناشویی افزایش یابد. بسیاری از افراد جهت رهایی از تنشی که عدم ارضای نیازهای عاطفی و جنسی در آن‌ها ایجاد می‌کند به سمت روابط فرازناشویی گرایش پیدا می‌کنند و ثبات سیستم زوجی خود را در معرض تزلزل قرار می‌دهند. از سوی دیگر برخی از افراد عقیده دارند که رابطه عاطفی و جنسی صرفاً محدود به روابط زناشویی نیست و هر فردی این حق را دارد که وارد روابط دیگری با ماهیت عاطفی - جنسی شود و نیازهای خود را در طی آن نیز ارضا کند. چنین افرادی فاقد هرگونه پای‌بندی نسبت به تعهدات عاطفی و جنسی خود به همسر هستند و فردگرایی مفرطشان زمینه را برای گرفتار شدنشان در آسیب و معضل خیانت فراهم می‌کند.

عوامل محیطی آخرین مجموعه از عوامل تأثیرگذار در سوق دادن افراد به روابط فرازناشویی است که توأم با دوزیرمضمون آن یعنی اختلال در سبک همسرگزینی و مهیا بودن شرایط خیانت در جریان تجزیه و تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان مورد شناسایی قرار گرفت. برخی از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که در یک محیط زنانه

کار می‌کنند و با مشتری‌های زن همواره تعامل دارند، از همسر خود به دلیل شرایط شغلی فاصله زمانی و مکانی دارند، هیچگونه کنترلی از جانب همسر بر آن‌ها اعمال نمی‌شود و آزادی مفرط دارند، به اینترنت و شبکه‌های مجازی تسهیل‌کننده روابط فرازنشویی دسترسی دارند، در انتخاب همسر خود آزادی چندانی نداشتند و از روی ترحم و انگیزه‌های مالی صرف با همسر خود ازدواج کرده‌اند. بنابراین بدیهی است که به سمت روابط فرازنشویی گرایش پیدا کنند. حمیدی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خویش گزارش کردند که هرگونه اجبار در فرایند ازدواج و انتخاب همسر، احتمال وقوع خیانت در بین زوج‌ها را افزایش می‌دهد، زیرا افراد در شکل دادن به چنین روابطی احساس اجبار می‌کنند و برقراری صمیمیت و تعهد بین فردی برایشان دشوار می‌باشد. بورچل و وارد (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خویش گزارش کردند که علی‌رغم چندبعدی بودن علل خیانت، علل بیرونی و ارتباطی در گرایش به سمت این آسیب از تأثیرگذاری بالاتری برخوردار می‌باشد، این پژوهشگران ضمن تأکید بر نقش عوامل محیطی بر گرایش افراد به سمت خیانت، سبک‌های دلبستگی افراد را نیز در گرایش به این روابط دخیل می‌دانند. در تبیین این یافته به طور کلی می‌توان گفت ماندن در یک رابطه و پای بندی به تعهدات عاطفی و جنسی آن زمانی ممکن است که فرد از روی علاقه و کاملاً آزادانه همسر خود را انتخاب کرده باشد. وقتی که شخصی را بدون نظرخواهی و کاملاً توأم با اجبار به فرد معرفی کرده و وی را ملزم به ازدواج با او می‌کنند، بدیهی است که فرد تعهد چندانی نسبت به وی ادراک نکند و بیش‌تر احتمال داشته باشد به سمت روابط بیرونی و آزادانه گرایش پیدا کند. از سوی دیگر خیانت زمانی ممکن می‌شود که شرایط محیطی برای آن مهیا باشد. هرچه شرایط محیطی مهیاتر باشد احتمال گرایش فرد به این آسیب و تجربه آن در سطح بالاتری قرار دارد و برعکس.

عوامل بازدارنده از گرایش مردان به خیانت دومین بخش از پژوهش حاضر بود که شناسایی مولفه‌های آن یکی از هدف‌های مصاحبه با افراد و تجزیه و تحلیل بیانات آن‌ها بود. مصاحبه با مردان دارای تجربه روابط فرازنشویی منجر به شناسایی سه مضمون و

طبقه اصلی از بازدارنده‌های روابط فرزان‌شویی یعنی بازدارنده‌های درون فردی، بین فردی و محیطی شد. بازدارنده‌های درون فردی به عنوان اولین مضمون شناسایی شده در این زمینه، دربرگیرنده‌ی یک زیرمضمون یعنی پای‌بندی مذهبی بود. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که ایمان به عواقب دنیوی و اخروی روابط فرزان‌شویی، تعهد و پای‌بندی به باورهای دینی پیرامون روابط فرزان‌شویی مخصوصاً اعتقاد به انحصاری بودن رابطه عاطفی و جنسی با همسر می‌تواند تا حد زیادی از گرایش آن‌ها به سمت روابط فرزان‌شویی بکاهد و تمایلشان را به تجربه این آسیب کاهش دهد. حمیدی و همکاران (۱۳۹۳) از اهمیت پای‌بندی مذهبی و ایمان به اعتقادات مذهبی و رفع تحریک‌کننده‌های محیطی به عنوان عوامل بازدارنده از خیانت زناشویی تأکید کردند و نشان دادند زوج‌هایی که از پای‌بندی مذهبی کافی برخوردار هستند و تحریک‌کننده‌های محیطی کم‌تری را تجربه می‌کنند، نسبت به زوج‌هایی که هیچ‌گونه تعهد مذهبی ندارند و در معرض انواع مختلفی از تحریک‌کننده‌های محیطی قرار دارند، گرایش کم‌تری به روابط فرزان‌شویی و خیانت دارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت مذهب یکی از مهم‌ترین عواملی است که با تکیه بر مبانی و اصول امری و اجتنابی خود می‌تواند احتمال گرایش افراد به روابط فرزان‌شویی را کاهش دهد. مذهب همواره تأکید دارد که رابطه عاطفی و جنسی باید کاملاً مشروع و منحصر به روابط زناشویی باشد. افرادی که به اصول مذهبی پای‌بند هستند در صورت گرایش به روابط فرزان‌شویی با احساس گناه و عذاب درونی شدیدی مواجه می‌شوند که لذت چنین تجربه‌ای را به طور کامل از آن‌ها سلب می‌کند. از سوی دیگر این افراد با تکیه بر رهنمودهای دینی صمیمیت پیوند خود را با همسرشان بهبود می‌بخشند و احتمال گرایش خود را به روابط بیرون همسری کاهش می‌دهند.

بازدارنده‌های بین فردی به عنوان دومین مضمون شناسایی شده در این زمینه، دربرگیرنده‌ی دو زیرمضمون کارکردی یعنی ارضای جنسی و عاطفی بود. برخی از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که در صورتی که از جانب همسر مورد درک و همدلی قرار

گیرند، نیازشان به محبت و عشق ارضا شود و صمیمیت کافی را در ابعاد مختلف تجربه کنند، همچنین نیازهای جنسی، خیالپردازی‌ها و انتظاراتشان در این زمینه از جانب همسر ارضا گردد احتمال گرایششان به روابط فرازنشویی کاهش پیدا می‌کند. جنکینس در پژوهشی که در سال (۲۰۱۵) انجام داد نشان داد که ارضای عاطفی و جنسی در قالب روابط زنشویی، نقش بسیار زیادی در کاهش گرایش به سمت خیانت دارد و زوج‌هایی که تحقق این دو معیار در ازدواجشان ممکن نیست، نسبت به زوج‌هایی که از آن برخوردار هستند به احتمال بیش‌تری به سمت خیانت گرایش پیدا می‌کنند. استیگلیتز و همکاران (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خویش از کاهش تعارضات زنشویی و ارضای نیازهای عاطفی و جنسی زوج‌ها، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده از خیانت زنشویی یاد کردند. در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از اصلی‌ترین دلایل گرایش افراد به روابط فرازنشویی این است که نیازهای عاطفی و جنسی‌شان آنگونه که باید در طی روابط زنشویی ارضا نمی‌شود. در واقع افرادی که رابطه زوجی‌شان توانایی ارضای نیازهای عاطفی و جنسی‌شان را ندارد از طریق گرایش به روابط فرازنشویی سعی خواهند که تنش حاصل از سرکوب این نیازها را کاهش داده و خود را تسکین بخشند. بنابراین زوج‌ها می‌توانند از طریق برنامه‌ریزی ارتباطی با هدف ارضای متداوم و جامع نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر، تا حد زیادی گرایش طرف مقابلشان را به روابط برون‌همسری کاهش دهند.

آخرین عامل بازدارنده از گرایش مردان به روابط فرازنشویی از دیدگاه خود آن‌ها، عوامل یا بازدارنده‌های محیطی شامل رفع تحریک‌کننده‌های محیطی و رهایی از اجبارهای انتخابی بود. برخی از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که اگر فاصله زمانی و مکانی با همسر خود نداشته باشند، با دوستانی که همواره درگیر روابط فرازنشویی هستند تعامل نداشته باشند، به روش‌های تسهیل‌کننده اینترنتی و مجازی جهت برقراری رابطه دسترسی نداشته باشند و از اشتغال مکرر و متداوم در محیط‌های زنانه امتناع کنند و همچنین همسر خود را از روی عشق و کاملاً آزادانه انتخاب کنند کم‌تر احتمال دارد به

سمت روابط فرازنشویی گرایش پیدا کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت محیط‌هایی که مملوء از محرک‌های جنسی و عاطفی است بیش‌تر احتمال دارد افراد را به برقراری روابط برون‌همسری تحریک کنند. افرادی که در محیط‌های زنانه اشتغال دارند و یا به سایر راه‌های برقراری روابط فرازنشویی نظیر راه‌های مجازی و واقعی دسترسی دارند در قیاس با سایر افراد بیش‌تر احتمال دارد به سمت شکل‌دهی و تداوم چنین روابطی گرایش پیدا کنند. همچنین بایستی تأکید کرد که پای‌بندی به تعهدات زوجی در خلال روابط فرازنشویی به انگیزه و تمایل بسیار زیادی نیاز دارد. افرادی که به همسر خود علاقه چندانی ندارند و هیچ‌گونه آزادی در انتخابش نداشته‌اند در قیاس با سایر افراد بیش‌تر احتمال دارد رابطه خود را با وی محدود کنند و انرژی و توان خود را صرف برقراری و تداوم ارتباط با افرادی غیر از همسر خود نمایند.

به‌طور کلی پژوهش حاضر به بررسی علل و عوامل بازدارنده از خیانت در مردان بی‌وفا (خیانت) پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که علل و عوامل مختلفی در ابعاد درون‌فردی (تنوع‌طلبی، کسب اعتماد به نفس، عدم پای‌بندی مذهبی و انتقام)؛ بین‌فردی (نارضایتی عاطفی، نارضایتی جنسی و عدم تعهد بین‌فردی) و محیطی (فزونی تحریک‌کننده‌های محیطی و اختلال در سبک همسرگزینی) در گرایش افراد به سمت خیانت تأثیر دارند. همچنین یافته‌های به دست آمده نشان داد که عوامل بازدارنده از خیانت زناشویی نیز چند بعدی بوده و انواع مختلفی از بازدارنده‌های درون‌فردی (پای‌بندی مذهبی)؛ بین‌فردی (ارضای عاطفی و ارضای جنسی) و محیطی (آزادی در فرایند انتخاب و همسرگزینی و رفع تحریک‌کننده‌های محیطی) را در برمی‌گیرد.

این یافته‌ها از یک سولزوم توجه بیش‌تر به مسئله خیانت را آشکار و از سوی دیگر با شناسایی علل و عوامل بازدارنده اطلاعات و زمینه‌ی کافی جهت تدوین و به‌کارگیری برنامه‌های درمانی و پیشگیرانه در زمینه‌ی خیانت زناشویی را تا حدی فراهم کرده است. دشواری در شناسایی اعضای نمونه به دلیل پنهان‌بودن این جامعه، دشواری در انجام

مصاحبه‌ای باز با این افراد به دلیل زشت و قبیح بودن عمل خیانت، از جمله محدودیت‌هایی است که تعمیم یافته‌های پژوهشی را به جامعه در دسترس و هدف با محدودیت مواجه می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی علل و عوامل بازدارنده در نمونه بزرگ‌تر و با حتی الامکان با حضور هر دو جنس (زن و مرد) مورد بررسی قرار بگیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی پژوهشگر برای دریافت اطلاعات جامع‌تر رابطه عمیق‌تری با مشارکت‌کنندگان برقرار سازد تا این افراد با آرامش و اطمینان بیش‌تری تجربیات خود را ارائه دهند و چیزی را پنهان نسازند.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از تمامی کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند قدردانی می‌نمائیم.

منابع

- آرین فر، ن.، اعتمادی، ع. (۱۳۹۵). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی یکپارچه نگر و هیجان‌مدار بر صمیمیت زناشویی زوجین آسیب‌دیده از خیانت همسر. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵ (۵۹)، ۷-۳۷.
- چوپانی، م.، نعیمی، ا. (۱۳۹۵). بررسی کیفی تعهد علمی - اخلاقی دانشجویان. *فصلنامه فرهنگ مشاوره*، ۶ (۲۱)، ۸۰-۱۰۰.
- خدادادی‌سنگده، ج.، محمدنظری، ع.، حسنی، ج. (۱۳۹۴). تجارب والدین موفق در مورد خانواده موفق. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۴ (۲)، ۱۷۸-۱۹۰.
- حمیدی، ا.، احمدی، س.، ویسانی، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری خیانت زناشویی: یک مطالعه دلفی. *همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق*، سقز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز، صص ۱-۹.
- سودانی، م.، کریمی، ج.، مهربانی‌زاده هنرمند، م.، نیسی، ع. (۱۳۹۱). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر. *فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۰ (۴)، ۲۵۸-۲۶۶.
- قره‌گوزلو، ن.، مرادحاصلی، م.، عطادخت، ا. (۱۳۹۶). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری حضوری و مجازی بر اختلال استرس پس از سانحه در روابط فرازنشویی. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۱۷ (۶۵)، ۱۸۷-۲۰۶.

- گال، م.، بورگ، و.، گال، ج. (۲۰۱۵). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. مترجم احمدرضا نصرافهانی، ۱۳۹۴، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهبشتی.
- هنرپروران، ن. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی رویکرد پذیرش و تعهد (ACT) بر بخشش و سازگاری زناشویی زنان آسیبدیده از خیانت همسر. فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۵ (۲)، ۱۳۵-۱۵۰.
- Abzug, R. (2016). Extramarital affairs as occupational hazard: A structural, ethical (cultural) model of opportunity. *Sexualities Journal*, 19 (1-2), 25_45.
- Barbaro, N., Pham, N. M., & Shachelford, K. T. (2015). Solving the problem of partner infidelity: Individual mate retention, coalitional mate retention, & in-pair copulation frequency. *Personality & Individual Differences*, 82 (1), 67_71.
- Brewer, G., & Abell, L. (2015). Machiavellianism & sexual behavior: Motivations, deception & infidelity, *Personality & Individual Differences*, 74 (2), 186_191.
- Brewer, G., Hunt, D., James, G., & Abell, L. (2015). Dark Triad traits, infidelity and romantic revenge. *Personality & Individual Differences*, 83 (1), 122_127.
- Burchel, L. J., & Ward, J. (2011). Sex drive, attachment style, relationship status & previous infidelity as predictors of sex differences in romantic jealousy. *Personality & Individual Differences*, 51 (5), 657_661.
- Diekelmann, N., Allen, D., & Tanner, C. A. (1989). The NLN criteria for appraisal of baccalaureate programs: a critical hermeneutic analysis. 6th ed. Washington, DC: National League for Nursing.
- Eindor, T., Perrypaldi, A., Hirschberger, G., Birnbaum, G. E., & Deutsch, D. (2015). Coping with mate poaching: Gender differences in detection of infidelity-related threats. *Evolution & Human Behavior*, 36 (1), 17-24.
- Guba, E. G., Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation*. New York, NY: Sage Publications.
- Jenkins, Q. T. (2015). *Husband's response infidelity*. PHD thesis. University of Kentucky, Kentucky.
- Jones, N. D., & Weiser, A. D. (2014). Differential infidelity patterns among the Dark Triad. *Personality & Individual Differences*, 57 (1), 209_241
- Labrecque, L. T., & Whisman, M. A. (2017). Attitudes toward and prevalence of extramarital sex & descriptions of extramarital partners in the 21st century. *Journal of Family Psychology*, 31 (7), 952_957.
- Lalasz, B. C., & Weigel, J. D. (2011). Understanding the relationship between gender & extra dyadic relations: The mediating role of sensation seeking on intentions to engage in sexual infidelity. *Personality & Individual Differences*, 50 (7), 1079_1083.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: demographic, interpersonal, & personality-related predictors of extra dyadic sex. *Archives of Sexual Behavior*; 40 (5), 971_982.
- Mtenga, S. M., Pfeiffer, C., Tanner, M., Geubbels, E., & Merten, S. (2018). Linking gender, extramarital affairs, & HIV: a mixed methods study

- on contextual determinants of extramarital affairs in rural Tanzania. *AIDS Research & Therapy*, 15 (1), 12_12.
- Pacher, A. (2017). Extramarital affairs in contemporary Japan: Current situation & trends. *The Journal of Sexual Medicine*, 14 (5), 300_310.
 - Shackelford, T., Besser, A., & Goetz, A. T. (2008). Personality, marital satisfaction, & probability of marital infidelity. *Individual Difference Research*, 6 (1), 13_25.
 - Speziale, H., Streubert, H., & Carpenter, D. R. (2007). *Qualitative research in nursing: advancing the humanistic imperative*. Philadelphia, PA: Lippincott Williams & Wilkins.
 - Staples, J. (2012). *Couples' Process of healing from while in therapy*. PHD thesis, University of Nevada, Reno.
 - Starratt, V. G., Poop, D., & Shachelford, K. T. (2008). Not all men are sexually coercive: A preliminary investigation of the moderating effect of mate desirability on the relationship between female infidelity & male sexual coercion. *Personality & Individual Differences*, 45 (1), 10_14.
 - Stieglitz, J., Gurven, M., Kaplan, H., & Winking, J. (2012). Infidelity, jealousy, & wife abuse among Tsimane forager-farmers: testing evolutionary hypotheses of marital conflict. *Personality & Individual Differences*, 33 (5), 438_448.
 - Tsapelas, I., Fisher, HE., & Aron, A. (2010) "Infidelity: when, where, why. New York: Routledge.
 - Weiser, A. D., & Weigel, J. D. (2015). Personality & individual differences. *Personality & Individual Differences*, 85 (1), 176_181.
 - Zare, B. (2011). *Review of study on infidelity*. International conference on advanced management science, IACSIT Press, Singapore.
 - Zengel, B., Edlund, E. J., & Sagrin, J. B. (2013). Sex differences in jealousy in response to infidelity: evaluation of demographic moderators in a national random sample. *Personality & Individual Differences*, 54 (1), 47_51.